

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا

۱۹ نومبر ۲۰۱۸



پاره جگر

من پاره جگر سر بازار برده ام

تا با فروش آن چندی به نان خشک و کف آب سر کنم

ای کاش این ترانه بدبختی مرا

یک گوش بشنود

من پاره جگر سر بازار برده ام

چون ساز غم به نغمه جانکاه سرزنان

از حنجر ز درد گلو گیر کرده اش

بر می جهد که تا بنوازم چنین نوا

من پاره جگر سر بازار برده ام

بشنو ترانه دل مرگ آرزوی من

آه... این یک ترانه نیست

صوت شکست قامت شاخ غرور من

در زیر پتک فقر درین خاکدان بود

ای گوشها کجا شده درک شنو تان

شاید کسی که بشنود این ناله سر رسد

تا با خرید پاره جگرم فرصتی دهد

یک فرصتی فقط یک فرصت حیات
بر چهار طفل دیگر زار و مریض من
من سایه های زشت هیولای مرگ را
هرشب به روی بام و در خانه شادم
ایکاش زود تر برسد تا رهامدم
زاین تنگنای خاکی بیحاصل حیات
تا دیگر این ترانه پر درد و رنج را
در لابه لای بستر خاکی نهان کنم
دیگر نخوانم این غزل خونچکان غم
این تک ترانه ای ز دل رنج دیده اما
من پاره جگر سر بازار برده ام
در کوچه های شهر بلند است ناله ام
شاید که آن غنوده به خواب گران شان
در خواب زاین نوای دلم با خیر شوند
اندر صبح چون زخم مار گران شب
بیدار و جام خون دل ما به لب برند
با خنده های زشت و کریه‌ی به همدگر
پرسند آن ترانه سرای سرک چه شد؟
آنکس که می سرود
من پاره جگر سر بازار برده ام

این سروده را از بین کاغذ پاره های امشب یافتم که خاطره دردناک پدری که طفلش را برای فروش به بازار برده بود
در آن ترسیم شده

"مختار دریا" کانادا